

بهار رویش

مروری بر دعاهای ورود و وداع ماه رمضان

علی صفایی هاشمی (عین. صاد)

www.ketab.ir

www.ketab.ir

صفحه: ۱۳۲-۱۳۷۸
بهار رویش / ووداع ماه رمضان / علی صفايي حائري (عين-صاد)
قم: انتشارات ليلة
۱۲۸ ص
فیبیا
رمضان
دعاهای ماه رمضان
۱۳۹۱ ب ۷ ص / BP ۱۸۸
۲۹۷ / ۳۵۴
۲۸۲، ۸۶۴
۹۷۸-۹۶۴-۷۸۰۳-۳۲-۸

سرشناسه:
عنوان و نام پبلیکاتور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهري:
وضعيت فهرست‌نویسی:
موضوع:
موضوع:
رده بينی کنگره:
رده بندی ديویی:
شماره کتابشناسی ملی:
شابک:

بهار رویش

علی صفايي حائري (عين-صاد)

- چاپ ششم: ۱۴۰۲
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- شمارگان: ۲۰۰۰
- تلفن مرکز فروش: ۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸ / ۰۲۲-۹۱۲۷۴۶۱۰۲۲
- همه حقوق این اثر متعلق به ناشر است



انتشارات ليلة القدر
۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸



انتشارات ذکرا
۰۲۱-۸۶۰۴۵۷۸۰

فهرست

- ۷ پیش گفتار
۱۱ سرآغاز سخن

رمضان؛ بارش ها و محرومیت ها

- ۱۹ وسعت رزق
۲۰ تفکر؛ مواد، انگیزه، روش
۲۴ عوامل محرومیت
۲۶ شب های پر حس و محاسبه
۳۱ خلاصه

مروری بر دعای ورود به رمضان

- ۳۷ پیش درآمد
۴۵ امام سجاد علیه السلام و گفت وگو در قالب دعا
۴۹ تبیین فرازهای دعا
۴۹ حمد
۵۰ احسان
۵۱ دین، شکل ایده نال
۵۲ ویژگی های ماه رمضان
۵۳ برتری رمضان بر سایر ماه ها
۵۵ شب قدر
۵۷ حقیقت صلوات بر پیامبر و آلش
۵۹ شناخت فضیلت رمضان
۶۵ پیوند با حق

- ۶۷ پیوند با خلق
- ۶۷ صلۀ رحم
- ۶۸ احسان به همسایگان
- ۶۹ توزیع ثروت و نفی اختلاف طبقاتی
- ۷۰ جدایی و پیوند
- ۷۲ تضرع به حق
- ۷۲ اهلّیت کرامت یافتن
- ۷۳ اخلاص در توحید و دین
- ۷۵ آزادی از اسارت‌ها
- ۷۶ بهترین یاران رمضان
- ۷۷ وسعت گناه
- ۸۲ رزق فراگیر
- ۸۵ تامل در ماه رمضان
- ۸۷ بهره‌مندی از رزق عظیم
- ۹۱ طلب حج در رمضان
- ۹۲ طلب شهادت
- ۹۲ جان کلام

رمضان؛ ریزش‌ها و رویش‌ها

- ۱۰۰ دو خواسته

مروری بر دعای وداع با رمضان

- ۱۰۵ فخر خدا
- ۱۰۶ ای خدای خوبی‌ها
- ۱۰۸ تضرع و توسل و اعتصام
- ۱۱۰ کیفیت وداع با رمضان
- ۱۱۲ سلام‌های وداع
- ۱۱۹ اقرار و اعتراف و طلب
- ۱۲۱ آخرین فرصت ارزیابی

پیش‌گفتار

«عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا»^۱

هر دم از این چشمه چه‌ها می‌چشند!

در سیزدهمین سال خروج صاحب کتاب بشنوازی، نوای دیگری از این نی گوش را می‌نوازد و فکر و قلب در روح منتظران را به شراب طهور بهشتی سیراب و مست جانان می‌کند.

اگرچه دیر دیر، ولی برای امثال ما که مرکبی از دل‌داده و به سختی و کندی قدم بر می‌دارند و تنها به طلب دلخوش‌اند، رجایی و امیدی هست که بعد از سال‌ها بتوانند چند سخنرانی پر سوز و شور دیگر استاد را در حوزهٔ رمضان و تلاوت دعا‌های ورود و وداع آن در فصل بهار قرآن و بهار رویش انسان‌های سالک، به متن نوشتاری برگردانند و در اختیار دل‌های منتظر و مشتاق اقصی نقاط عالم قرار دهند؛ شاید که دلی بلرزد و دعای او بدرقهٔ راه پرخطر و مملو از گردنه‌های نفس‌گیر ما شود.

قطعاً با خواندن این نواهای سوزان امام ساجدین و رئیس‌البنگایین و این تلاوت و تبیین دل‌دادهٔ چنین امامی، دل‌ها از جا کنده می‌شوند، اگرچه صخره‌های سنگی باشند که نه تنها به زمین چسبیده، که حتی در دل زمین هم ریشه دوانده باشند.

۱. «چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و از هر جا بخواهند، آن را جاری می‌سازند.» انسان، ۶.

«بهار رویش» عنوانی است برگزیده از بیان خود استاد که برای نام‌گذاری این

مجموعه انتخاب شده است. این مجموعه شامل چهار سخنرانی است:

اولین آن در سال ۱۳۷۱ ایراد شده، تحت عنوان «رمضان؛ بارش‌ها و محرومیت‌ها» است. از یک طرف، بحث بارش و ریزش بی‌امان بخشش‌ها و عنایت‌های رمضان و رزق‌های وسیع و گسترده وجود انسان بر پهن دشت سفره آن است و از طرف دیگر، سخن از ظرف واژگون ما و عوامل محرومیت از چنین سفره مزین به غذاها و رزق‌های گوناگون بدن و فکر و قلب و روح.

بحث دوم، که در آستانه ورود به رمضان ایراد شده، مروری است بر دعای ورود ماه رمضان از صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام که به پیش درآمدی از خود استاد مزین شده و در ادامه به طرح و تبیین تک‌تک فرازهای دعا می‌پردازد که باید بویید و استشمام کرد و چشید. ^۱ برای ورود به ضیافت الهی، تزکیه و تصفیه و آماده نمود.

گفت‌وگوی سوم، که عنوان «رمضان؛ ریزش‌ها و رویش‌ها» را به خود گرفته، در میانه ماه رمضان طرح شده و مانند بحث دوم، تاریخ آن معلوم نیست. این بحث تلنگر و هشدار است به مهمان که در وسط مهمانی میان‌داری کند و از صاحب‌خانه، تنها دو خواسته داشته باشد: اول این‌که خاک باشد و دوم این‌که رویشی داشته باشد تا در پایان راه، حسرت خاک بودن را بر دل نشانند و بر لب خویش این چنین زمزمه نکنند: «یا لیتنی کُنْتُ تُراباً».^۲

سخنرانی چهارم مروری کوتاه و فشرده و پرنغز بر دعای وداع^۳ امام‌العارفین از

۱. صحیفه سجادیه دعای ۴۴ (ورود به ماه رمضان).

۲. «ای کاش خاک بودم.»، نیا، ۴۰.

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۴۵ (وداع با ماه رمضان).

رمضان است که در شب ۲۹ رمضان ۱۳۶۵ ایراد شده است. این دعا که به تعبیر خود استاد این قدر طولانی است که جا دارد انسان از اول ماه به آن مشغول شود، تنها بخشی از فرازهایش تلاوت و تبیین شده است؛ اما همین مختصر، به حق، حاقّ دعا را به صحنه می‌آورد و حق مطلب را ادا می‌کند و دل و روح هر خواننده‌ای را مرزوق و بهره‌مند می‌نماید.

استاد، در بدو شروع، انسان‌ها را فرامی‌خواند که بیايید تا همگی فخر خدا باشیم و خدا در برابر ملائکه‌اش، به ما افتخار کند. در ادامه، وارد بحث دعای وداع می‌شود و بند اول از فراز اول را که وصف خدای خوبی‌هاست باز می‌کند. این فراز، تا بند ۲۲، این خوبی‌ها را برمی‌شمارد. فراز دوم، که از بند ۲۳ تا بند ۴۲ را در بر می‌گیرد، مشتمل بر سلام‌های وداع حضرت است که استاد تمامی آن‌ها را که محور اصلی دعا هستند، تلاوت و تشریح می‌کند.

در فراز سوم دعا، که از بند ۴۳ آغاز می‌شود و تا پایان دعا را در بر می‌گیرد و مشتمل بر اقرار و اعتراف و طلب است، استاد تنها بند اول را می‌گشاید و به تنها فرصت یک‌روزه باقی‌مانده از این ضیافت و مهمانی اشاره می‌کند و از سالکان راه و مهمانان محزون از وداع می‌خواهد که این لحظه‌ها را غنیمت شمارند و به محاسبه و ارزیابی بنشینند و اگر باری نبسته‌اند، به تضرع و توسل و اعتصام روی بیاورند.

و دعای ما در سرانجام کار بیش از این نخواهد بود که مصرانه بگوییم: بار اله‌ها، آن‌گونه که استاد در دوران غربت و تنهایی حیات خویش، این‌گونه بر ما نوازید و دل‌ها را بی‌قرار کرد و به افلاک فراخواند، او را در برترین حیات‌ها، با کسی که شیدای او بود، یعنی سیدالساجدین و امام‌العارفین علیه‌السلام هم‌نوا کن و ما را هم از این آوای خوش داوودی محروم نگردان.

آمین یا رب العالمین.

سرآغاز سخن

أَلْمِنَّةٌ لِلَّهِ که در میکده باز است.

شب‌های رمضان شب‌های عنایت و شب‌های کرامت است.

ماه رمضان شهر ماهانه، شهر توبه، شهر مغفرت و رحمت، شهر آزادی از آتش و شهر دستیابی به بهشت است.

شهری که در آن لیلۃ القدر است، لیلۃ القدری که از هزار ماه بهتر است.

تجمع و تحمل گفت‌وگوها از عنایت‌های این ماه و از هدایت‌های اولیای خداست که ما را به هم گره می‌زند و با هم می‌سازد و حتی با درگیری‌ها و برخوردها، فتنه‌ها و ابتلاها را آسان می‌نماید.

من، برای این شب‌ها، با دست‌های خالی و دل منتظر، به صحیفه و دعا‌های آن روی آورده‌ام. این شب‌ها را با همین دعاها سرشار کنیم.

در این شب‌ها، به خود سرکشی کنیم و از سستی‌ها و تخاذل‌های خودمان بازرسی نماییم. راستی که با این همه سیاهی و سستی و با این همه غفلت و غرور، بر عنایت خدا که فرصت می‌دهد و راه می‌گشاید و آغوش باز می‌کند و بر رعایت اولیای او و بر محبت ولی عصر تکیه داریم.

در این فرصت قدر که از هزار ماه بهتر است و با این عنایت و رعایت و محبت، هر عقب افتاده‌ای می‌تواند آرزوی جلوداری داشته باشد؛ آن هم از خانواده‌ای که مس وجود را فضه آن‌ها طلا می‌کند.

ای دل از دست رفته چه می‌خواهی؟ این فرصت و این هم آغوش باز و این هم انتظار بازگشت: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُدْبِرُونَ عَنِّي كَيْفَ أَنْتَظِرِي لَهُمْ... وَأَشْتِيَاقِي إِلَى تَرْكِ مَعَاصِيهِمْ لَمَأْتُوا شَوْقًا بِي وَنَقَطَعَتْ أَوْصَالَهُمْ عَنِّي مَوْدَّتِي»^۱

در تمام لحظات، دعوتی هست و فریادهایی هست. این صدای اوست و این ماییم که باید لبیک بگوییم. ما این فریادها را نمی‌شنویم.

چشم‌ها و گوش‌های ما تربیت نشده‌اند. ما احساس تربیتی و نیاز به تحولی در این حواس و جوارح نداریم.

در توصیف همین ماه است که فرموده‌اند:

«دُعِيْتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ»^۲ میهمانی‌ای که خدا در این ماه برای ما دارد، ضیافتی است که هماهنگ با آگاهی و کرامت و قدرت میزبان است. هرچقدر میزبان، به من و نیازهای من، آگاه‌تر باشد و کریم‌تر و نیرومندتر و توان‌تر، ضیافتش هم اوج بیشتری می‌گیرد.

خدایی که تمامی نیازهای انسان را می‌شناسد و تمامی ابعاد او را می‌داند و این کرامت و قدرت هم در او هست، این ضیافت را به پا داشته تا به تمامی ابعاد ما در این ماه رزق بدهد و همین است که فکر و تخیل و عقل و روح و تمامی بدن ما باید

۱. «اگر این‌ها که به من پشت کرده‌اند و از من بریده‌اند می‌دانستند که چگونه در انتظارشان هستم... و چگونه مشتاق بازگشتشان هستم و چگونه می‌خواهم که عصیان‌ها را رها کنند، از شوق من می‌مردند و رگ‌های گردنشان، از فشار عشق من، پاره پاره می‌شد.» جامع السعادات، اعلمی، ج ۳، ص ۱۳۱.

۲. «در آن، به میهمانی خداوند دعوت شده‌اید.» اقبال الاعمال، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲، خطبه شعبانیه.

در این ماه رمضان رزق بگیرد و از این ضیافت سرشار شود.

و در فرازی از همین دعای وداع رمضان است که می خوانیم: «اللَّهُمَّ... فَأَجْرُنَا عَلَيَّ مَا أَصَابَنَا مِنَ التَّقْرِيطِ»؛ خدایا، ما فقر و عجز و جهل و ظلم خود را باور کرده ایم و با تمامی یأس و ناامیدی از خود، طلبکار فضل تو هستیم و آن قدر مطمئن هستیم که عطای تو را واصل می دانیم و این حسن ظن ما به توست و تو خود فرموده ای: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ»^۲ و تو دستور فرموده ای که حتی اظهار این حسن ظن و حتی دروغ این ادعا را بپذیرند؛ چون حتی دروغ نشانه تلاش و کوششی است که این عاجز درمانده به آن روی آورده است.

خدایا، در برابر کوتاهی ها و تقصیرها، به ما پاداش بده و کسری های ما را جبران نما، که «إِنَّ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَتَّخِذْنَا لَنَا كُفْرًا مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۳.

خدایا، در این بهار رویش و عطا بخت تو ما را بهره مند کن و از بدی های ما بگذر. سزاوار است که شکر کنیم بر این نعمت اجتماع و الفت؛ آن هم به خاطر ولایت و در مشهدالرضا و در ماه مبارک رمضان، که شکر باعث استغفار و نعمت و زیادتى نعمت و وسعه وجودی مُنْعَمَ علیه است.

۱. «خدایا... پس تو بر تفریطی که در این ماه به ما رسیده، مزدی بده.»

۲. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ أَحْسِنَ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِإِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا»؛ «از امام رضا عليه السلام نقل شده که فرمودند به خدا خوش گمان باش؛ چراکه خداوند عزوجل می فرماید من نزد گمان بنده مؤمن خویشم؛ اگر گمان او خوب است، رفتار من خوب، و اگر گمان او بد است، رفتار من هم بد باشد. کافی، دارالحدیث، ج ۳، ص ۱۸۴.»

۳. «اگر بر ما رحم نکنی، مسلماً از زیان کاران خواهیم بود.» اعراف، ۲۳.